



فرهنگ

ادبیات و هنر

ضمایر [من]

غمنامه پارسی

پس ازجنجال سرود ملی

نام علی رهبری چندی پیش یک‌بار دیگر به‌واسطه نامه‌اش به وزیر ارشاد سر‌زبان‌ها افتاد؛ نامه‌ای که در آن به سرود ملی انتقاد کرده و آن را مشابه سرود ملی کره دانسته بود. حالا غمنامه علی رهبری برای ارکستر سمفونیک تهران دوباره خبرساز شده است. علی رهبری به تازگی برای ضبط دو اثر خود «بلبل‌های پارسی» و «غمنامه پارسی» به شهری کوچک در اوکراین رفته بودکه به گفته این هنرمند این شهر که وسعتی به اندازه ورامین دارد، دارای ارکستری حرفه‌ای‌تر از ارکستر سمفونیک تهران تنها با قدمتی ۲۱ساله است.

علی رهبری، رهبر ارکستر بین‌المللی و آهنگساز می‌گوید: غمنامه پارسی، جزو آخرین آثار **مین** است. این اثر بر پایه موسیقی ایرانی است، زیرا من از کودکی در فضای موسیقی ایرانی بزرگ شده‌ام و پیش از این‌که به عنوان رهبر ارکستر فعالیت کنم، آهنگساز بوده‌ام و رشته تحصیلی‌ام نیز آهنگسازی بوده است. در زمان قرنطینه بسیاری از کنسرت‌هایم لغو شد و زمان زیادی به دست آوردم که توانستم از آن برای آهنگسازی استفاده کنم. غمنامه پارسی حدود ۷۸ دقیقه و «بلبل‌های پارسی» ۲۲دقیقه است.

همچنین ساخته‌ای دیگر از او با نام بلبل‌های پارسی برای برادران سعیدی نوشته شده و با صدای این دو خواننده که در ایران هستند، میکس خواهد شد.
طریقه ضبط و نهایی شدن این اثر هم در نوع خود جالب و قابل توجه است. به گفته رهبری، بخش ارکستر این اثر ضبط و ویرایش شده و برای خوانندگان در ایران ارسال خواهد شد. پس از آن برادران سعیدی به صورت آنلاین تمرین کرده و آمادگی لازم را به دست خواهند آورد و سپس برای ضبط به استودیو می‌روند.

این هنرمند تصریح کرد: با وجود این‌که آهنگسازی من در حوزه موسیقی ایرانی است ولی قطعه بلبل‌های پارسی به گونه‌ای نوشته شده که نوازندگان اوکراینی ارکستر خیلی باعشق و علاقه ضبط اثر را به انجام رساندند و کار را دوست داشتند.
برایم خیلی مهم بود که بدانم غیرایرانی‌ها کار را به چه صورت خواهند دید به‌خصوص این‌که این اثر روی شعر مشهور سعدی «به جهان خرم از آتم که جهان خرم از اوست» نوشته شده است. این شعر به گونه‌ای است که گویا سعدی آن را برای یک قطعه موسیقی نوشته و آن قدری برای موسیقی مناسب است که آهنگسازی برای اپراهای ایتالیایی راحت است.

رهبری می‌گوید: این قطعه برای گروه بزرگ‌کر نوشته شده که بخش خشایارشا در صدای تنور یا حضور آقای فکری انجام می‌شود. روح داریوش نیز در این کار ظاهر می‌شود که صدای



سینما خواهیم بود. حالا که روند واکسیناسیون آغاز شده است و مردم اطمینان بیشتری برای حضور در جامعه دارند، می‌توانند به سینماها بیایند. فروش خوب فیلم‌های سینمای فرانسه و آمریکا نیز به علت اکران فیلم‌های خوب و جذاب در سینما است که توانسته صفوف مردم را مقابل سینما تشکیل دهد.

این سوی آتش

درباره روز اول سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر که طبق معمول سینمای ایران

در آن پررنگ‌تر از سینمای جهان است



فیلم‌هایی عمدتاً بی‌نام و نشان از سینمای منطقه و جهان در این جشنواره و فیلم‌هایی که معمولاً راهی به بهترین فیلم‌های منتقدان و تماشاگران خوره سینما ندارند که تلاشی برای قبولاندن وجه جهانی جشنواره جهانی فیلم فجر به مخاطب است اما با ترکیب و جمعیت فیلم افتتاحیه و استقبال مخاطبان از فیلم‌های ایرانی در روز پیش‌فروش بلیت‌ها، به‌راحتی می‌توانید به وجه بسیار پررنگ ایرانی این رویداد برسید.

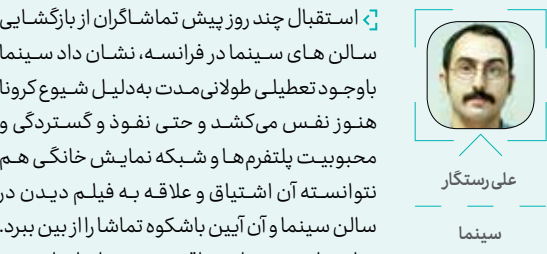
در چنین فضایی که مخاطبان خاص و پیگیر سینما، عمدتاً نیازهای فیلمی و سینمایی خود را از طرق دیگر مثل مراجعه به سایت‌های آنلاین فیلم و بازار دی‌وی‌دی، تأمین می‌کنند و از سر کنجکاوی هرازگاهی به تماشای فیلم‌های خارجی جشنواره جهانی فیلم فجر می‌نشینند و معمولاً هم چیز جذاب و دندان‌گیری نصیب‌شان نمی‌شود، مسترکلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی این رویداد را باید از نقاط مهم و قابل اشاره آن در نظر گرفت. این اتفاق نیک در روز اول جشنواره هم افتاد و کارگاه‌های آموزشی رضا میرکریمی، مهران کاشانی و ژاکووان دورمل با استقبال اعضای باشگاه جشنواره جهانی فیلم فجر همراه بود. میرکریمی که از فیلمسازان خوب و معتبر سینمای ایران است و این روزها فیلمی به نام «نگهبان شب» را کارگردانی می‌کند، مسترکلاسی با عنوان «تجربه‌های کارگردانی / فیلمساز به‌منابه کیمیاگر» را برگزار کرد. مهران کاشانی، فیلمنامه‌نویس فیلم‌هایی چون «دختر» (رضا میرکریمی) و «آواز گنجشک‌ها» (مجید مجیدی)، کارگاه آموزشی تجربه‌های فیلمنامه‌ای / تفاوت داستان با واقعیت» را برگزار کرد.

ژاکوون دورمل هم از کارگردانان سرشناس سینمای بلژیک است که علاقه‌مندان سینما حتماً فیلم «روز هشتم» او با بازی دانیل او‌توی و پاسکال دوکن را به یاد دارند. او در کارگاه مجازی که همراه با مجید اسلامی، منتقد معتبر سینما برگزار کرد، در تجربیات فیلمسازی‌اش گفت و درس‌هایی درباره کارگردانی ارائه کرد. مدیریت بخش کارگاه‌ها را شادمهر راستین، فیلمنامه‌نویس سینما به عهده دارد و سحر عصرآزاد، منتقد سینما هم کارشناس این بخش است.

برای امیدواری به جشنواره جهانی فیلم فجر، همین کارگاه‌های آموزشی هم کفایت می‌کند. البته کاش در ادامه، فیلم‌های جشنواره به‌ویژه آنهوه آثار خارجی ناشناخته هم به یاری بیاید و مشتاقان سینما را غافلگیر کند. تا روزهای بعد و نوشتن درباره فیلم‌ها و اتفاقات این رویداد.

روز اول جشنواره

هستند، گفت: انیمیشن اگر جذاب باشد حتماً جزو فیلم‌های اکرانی قرار می‌گیرد و این‌که با انیمیشن تعامل خوبی نداشته باشیم صحیح نیست. دفتر پخش ما دوست دارد تنوع اکران را داشته باشد و برای انواع سلاقی فیلم اکران کند. او اعتقاد دارد: وقتی فیلم جذاب باشد مردم به سینما بازمی‌گردند و شاهد روزهای خوب



علی رستگار

سینما

ایجاد نشده یا اگر هم وجود دارد، تا حدودی محدود و منحصر به زمان برگزاری جشنواره‌های سینمایی است که بارزترین و پررنگ‌ترین آن در جشنواره فیلم فجر در بهمن سال گذشته اتفاق افتاد. حالا بار دیگر این اتفاق با دوز و میزان کمتری در سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر رخ داده و برخی علاقه‌مندان که در همه این یکی دو سال دلتنگ سینما هستند و هنوز پاسخ مناسب و درخوری دریافت نکرده‌اند (به دلیل مواجهه با فیلم‌های عمدتاً ضعیف) خود را به پردیس چارسو، پردیس سینمایی آزادی و سینما کانون (محل‌های برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر) می‌رسانند تا شوق سینما رفتن و سنت فیلم دیدن دسته جمعی در سالن‌های سینما را از یاد نبرند؛ منتهی کرونا همچنان با سایه تهدیدگرش حضور دارد و در روند کند واکسیناسیون، می‌توان چشمان نگران و تردیدآمیز علاقه‌مندان به سینما را تشخیش داد: تردید و نگرانی نسبت به حال و روز و آینده سینمای ایران که به دلیل شیوع کرونا، شکننده‌تر از همیشه شده است و تأثیرات منفی آن در تولیدات هم خودش را نشان می‌دهد. با این حال همین نفس برگزاری جشنواره با همه ترس‌ها و تردیدها را می‌توان به فال نیک گرفت و امیدوار به بقا و ادامه بود. همین تجمعات سینمایی با همه خطرانش (به‌رغم حفظ فاصله و رعایت پروتکل‌های بهداشتی)، می‌تواند حال سینما را تا حدودی خوب کند.

همان عطش و اشتیاق سینما رفتن باعث شد همه بلیت‌های سه فیلم ایرانی «صحنه زنی» (علیرضا صدقی)، «پوتاکس» (کاوه مظاهری) و «شهربانو» (مریم بحرالعلومی) در روز سه‌شنبه (یک روز قبل از شروع جشنواره) پیش‌فروش و فروش خوبی داشته باشند. همچنین فیلم‌های این اتفاق بیشتر از این‌که متأثر از کنجکاوی برای تماشای این فیلم‌ها باشد، ناشی از دلتنگی برای سینماست.

ضمن این‌که همین جنبه مثبت جشنواره، سوی دیگر ماجرا را هم نشان می‌دهد که پاشنه آشیل همیشگی جشنواره «جهانی» فیلم فجر است. این‌که مخاطبان در غیبت فیلم‌های مطرح سینمای جهان که گل سرسید و برگ برنده فستیوال‌های جهانی هستند، همچنان و به‌ناچار به فیلم‌های ایرانی حاضر در این رویداد (ولو با هر کیفیت و حتی نه‌چندان شاخص و معتبر و اسم و رسم‌دار) روی خوش نشان می‌دهند.

این ویژگی در وی‌روی سکه‌ای در افتتاحیه رسمی جشنواره هم وجود داشت؛ سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر ساعت ۱۹ دیروز با نمایش نسخه مرمت شده فیلم «آنسوی آتش» ساخته درخشان کیانوش عیاری در سالن شماره یک پردیس چارسو به‌طور رسمی آغاز شد. انتخاب بسیار خوبی است، هم به‌دلیل اعتبار و جایگاه عیاری به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین فیلمسازان سینمای ایران که آن‌طور که باید به سینمای دنیا و مخاطبان جهانی معرفی نشد و چه حیف و هم به‌دلیل کار ارزشمند مرمت توسط فیلمخانه ملی ایران و عرضه آن با بهترین کیفیت ممکن، درحالی‌که علاقه‌مندان سینما پیشتر مجبور بودند به تماشای نسخه بسیار بی‌کیفیت آن بسنده کنند. با همه این امتیازات مورد اشاره، باز هم اگر متر و معیار جهانی را برای جشنواره‌ای که دامیه جهانی بودن دارد در نظر بگیریم، رسم بر این است که جشنواره با نمایش یک فیلم مطرح و به‌روز سینمای جهان آغاز شود. اما اینجا اساساً به‌دلیل غیبت چنین آثاری، به رسم‌های ناآشناشته و پس‌ندیده دیگری اکتفا می‌کنیم. با وجود نمایش

چه خبر از چارسو؟

بعید بود تهدید کرونا باعث خلوت بودن ساختمان چارسو باشد؛ هنوز تنور جشنواره گرم نشده‌بود چون با اکران سه فیلم روز اول جشنواره که تمام بلیت‌هایشان فروخته شده‌بود، تماشاگران از راه رسیدند و خونی به رگ‌های جشنواره ریختند اما پیش از آن و ساعات اولیه روز اول جشنواره به سکوت و آرامش سپری شد. هم‌زمان با نمایش اولین فیلم، غرفه‌های جای و قهوه، فروش کتاب‌های سینمایی و هدایای جشنواره در حال آماده شدن بودند. غرفه هدایا که هر سال تشرت و لیوان و سایر اقلام جشنواره را عرضه می‌کرد، امسال فقط لوح فشرده کارگاه‌های آموزشی دوره گذشته و لیوان‌های جشنواره را عرضه می‌کردند.

اهالی رسانه برای تماشای فیلم‌ها باید بلیت‌های رزرو شده را در طبقه چهارم چاپ می‌کردند. در طبقه پنجم، کارت‌ها را نمایش می‌دادند و از دستگاه سنجش تب تایید می‌گرفتند که وارد سالن شوند. همه شرکت‌کنندگان ماسک داشتند و با گذشت زمان و نزدیک شدن به اکران فیلم‌های ایرانی جشنواره، افراد بیشتری به جمع تماشاگران می‌پیوستند. از مهم‌ترین چهره‌های روز اول بهرام افشاری بود که برای اکران فیلم «صحنه زنی» به چارسو آمد اما هم‌زمانی اکران فیلم با روز تولدش تشویق و استقبال متفاوت تماشاگران را به دنبال داشت.

فیلم خوب مردم را با سینما آشتی می‌دهد

حبیب اسماعیلی، تهیه‌کننده و بازیگر سینما می‌گوید که باید ضمن آن‌که فیلم‌های پر فروش گارانتی بشوند، صاحبان آنها هم راضی شوند فیلم‌های خود را برای اکران وارد سینما کنند. حبیب اسماعیلی، تهیه‌کننده و مدیر پخش سینما در واکنش به صحبت‌های یکی از انیمیشن‌سازان که دفاتر پخش مانع اکران فیلم‌های ما



اکران فیلم «افروشنده» اصغر فرهادی در لندن



شکل و شیوه آن را درست درک خواهیم کرد که توجه کنیم بیشتر از بازیگران اغلب ناشناس زن خارجی در فیلم‌هایمان استفاده کرده‌ایم. فیلم‌هایی چون تگزاس، چهارانگشت، خانم پایا و مانند آنها در جریان کمدی دهه ۹۰ این رویکرد را در پیش گرفتند تا با استفاده ابزاری از حضور بازیگران زن خارجی، تغییراتی را در چهره سینمای ایران ایجاد کنند. این اتفاق را می‌شود شکل اغراق‌شده و هجوم‌آمیزی از جهانی‌شدن سینمای ایران دانست که نه‌تنها در راستای عرضه فرهنگ ایرانی به جهان تنظیم نشده که درست خلاف آن حرکت کرده است. افزایش سهولت دسترسی به انبوه تولیدات خارجی هم به شأن مصرف‌کنندگی ما در سینمای جهان دامن زده و باوجود افزایش تولیدات ما به‌مراتب بیش از سه دهه قبل مصرف‌کننده سینما و فرهنگ جهانی هستیم بدون آن که مشارکتی در تولید یا عرضه فرهنگ داخلی به جهان داشته باشیم. بخشی از این نقیصه هم به مساله تسلط زبان انگلیسی بر سینمای جهان باز می‌گردد. مساله‌ای که البته نه آسیب بلکه خصلت سینمای همه کشورهای غیرانگلیسی‌زبان است اما بسیاری از آنها با راهکارهایی نظیر شناسایی بازارهای خرد و تولید هدفمند برای آنها به زبان خودشان، موفق شده‌اند از این مانع عبور کنند و جهانی شوند. □

منده‌ایم

می در فیلم‌های ایرانی هم البته

یر داشته است. اما تنها زمانی

دی از گیشه‌های جهانی ندارند یکایی موردتوجه شرکت‌های علاقه‌مندی، فرصت بروز و عرض اندام وجود دارد به شرط آن‌که قاعده کار و تجارت در این صنعت بزرگ را بشناسد. سینمای ایران می‌تواند تولیدکنندگانی در سراسر دنیا داشته باشد که آثاری با دید جهانی برای مخاطب جهانی تولیدکنند و خارج از مرزهای ایران دست به دست شرکت‌های پخش فیلم بدهند و سینمای ایران را به معنای واقعی در جهان به نمایش بگذارند اما در حال حاضر هیچ تولیدکننده اسم و تولیدات مشترک ایران و سایر کشورهای جهان. حتی شرکت تولید فیلم در آمریکا تأسیس کرده و می‌دانیم که برخی تهیه‌کنندگانی ایرانی در کشورهای همجوار از جمله ترکیه و امارات متحده عربی دفتر دارند اما هنوز تا رسیدن به شرکت‌های تأثیرگذار تولید فیلم در جهان راه بسیاری در پیش داریم؛ راهی که البته بسته نیست و تجربه‌هایی در این مسیر انجام شده مثل تولیدات مشترک ایران و سایر کشورهای جهان. حتی حضور سینماگران ایرانی در خارج از کشور، رفت و برگشت بازیگران سینمای ایران به فیلم‌های خارجی و تجربه حضور عوامل تولید فیلم در پروژه‌های خارجی هم از جمله همین تجربیات است که پله‌های اول جهانی شدن را ساخته‌اند و فروش فیلم‌های ایرانی در گیشه‌های بین‌المللی را نودید می‌دهند. □

بین‌المللی از نوع ایرانی

یران به تولیدکنندگانی نیاز

رت بین‌المللی عمل کنند.

بین الملل بازار را قبضه



گال گادوت که با اکشن ابرقهرمانانه

ن - تخیلی است. این فیلم با عنوان

از و متفاوتی به گونه علمی-تخیلی

د.

یلوی نوشته می‌شود. دوستداران

ماه جولای خواهد بود. اما گادوت و

عه کردند. همان زمان بود که گادوت

و مرد جوانی است که در زمان‌ها و

از پیش می‌آید که چرا این دیدارها در

شت‌شان به‌هم گره خورده و باید با

بیانیه همکاران بابک خرم‌دین

چندی پیش ماجرای قتل بابک خرم‌دین موجب واکنش‌های زیادی شد. یکی

از این واکنش‌ها از سوی مدرسان دانشگاهی در رشته‌های سینما و تئاتر بود.

گروهی که خرم‌دین را هم‌صنف خود می‌دانند.

بابک خرم‌دین سابقه ساخت فیلم و کار در حوزه سینما را داشته. در بخشی از این بیانیه آمده است:

ما امضاکنندگان این متن به‌عنوان همکاران دانشگاهی مرحوم آقای بابک خرم‌دین اعتراض خود را نسبت به نشر اتهاماتی علیه وی که موجب ترسیم چهره‌ای منفی از ایشان در جامعه‌ملتهب از مواجهه با این فاجعه شده است، اعلام می‌داریم.

ما به‌عنوان همکاران دانشگاهی ایشان اعلام می‌کنیم شخصیتی که از بابک خرم‌دین می‌شناختیم، انسانی متین، مؤدب، بی‌حاشیه، منطقی و متعهد

بود. ایشان فردی اندیشمند و مدرسی مجرب و بسیار محبوب بود؛ لذا هرگز در اندیشه‌مان چنین تصویری که از وی ساخته شده، جای نمی‌گیرد. درواقع نمی‌توانیم بر اساس صحبت‌های پدر ایشان، باور کنیم این مرد محبوب دانشگاه، آن‌هتاک جفاپیشه خانه و خانواده باشد. آثانی که وی را در محیط خانواده می‌شناختند نیز این تصویر را مردود می‌انگازند. مگر او به عشق خانه و خانواده ترک غربت نکرد و به وطن برگشت؟ پس چگونه در مخیله آدمی می‌گنجد که او برای آزار والدینش رجعت کرده باشد؟ حرف ما این است، حتی درصورتی‌که به فرض محال، آنچه راجع به مرحوم خرم‌دین ذکرشده درست باشد، بازهم اشاعه این اخبار در این حال و احوال، دون شأن انسانی است و تنها روح آزاده این دوست فقید را آزردتر می‌کند. در میان اسامی زیادی که پای این بیانیه وجود دارد، نام‌هایی مانند ثریا قاسمی، اصغر آبگون، سید رضا اورنگ، عطاء... کوپال، کاوه اویسی، مریم ایرانمنش، اسماعیل براری و شهاب شهنام به چشم می‌خورد.